



گفت و گو با خانم دکتر شهین علیایی زند

تأسیس مؤسسه پیشگیری از آزار جنسی کودکان و نوجوانان

شکستن مرزهای ممنوعه!

در یکی از آخرین روزهای تابستان گذشته، رادیو پیام موسیقی این را قطع کرد و خبر تأسیس اولین مؤسسه پیشگیری از آزار جنسی کودکان و نوجوانان خاورمیانه در ایران را به گوش همگان رساند. آن گاه خبرگزاری جمهوری اسلامی، رادیو هرمان، رادیو بی بی سی، روزنامه ی شرق، و حتی برخی از روزنامه های آن طرف مرزها نیز، علی رغم این همه تفاوت در شکل و شمایل و سبک و سیاق، دست به کار شدند و جملگی خبر تأسیس این مؤسسه را به گوش جهانیان رساندند. و این، اولین بار بود که تأسیس یک مؤسسه ی غیردولتی یا این همه اقبال خبری مواجه شده بود. شنیدن این خبر، برای من که از سال ها پیش برای مدت ها همکار دیوار به دیوار دکتر شهین علیایی زند، بنیان گذار این مؤسسه بودم، مسرت بخش بود. علیایی زند، حق اش بود. او سال ها قبل، وقتی کسی جدا در خلوت جرأت سخن گفتن از آزادی عظیم سوء استفاده ی جنسی از کودکان را نداشت، برای شکستن این تابوی خلتان برانداز، قلم چم کرد و با شجاعتی که مهم ترین ویژگی او است، مبارزه ی سخت و خستگی ناپذیری را آغاز کرد و تا آن را به سرانجام رساند، از پا نشد.

شده اند. اما همیشه کسانی هم بوده اند که به دنبال شنیدن صداهای شکسته در گلو، مرزهای ممنوعه را درنور دیده اند، قفل های زنگار گرفته را شکسته اند و مسائل مسکوت مانده برای سال ها را به چالش کشیده اند و به طور حتم،

نگاه های پرشکر بیفتند. تاریخ پر از صداهایی است که در گلوی صاحبان کوچکشان خفه شده اند. صداهایی که نه صاحب صدا جرأت فریاد آن را داشته و نه گوشی برای شنیدنش بوده است. صداهایی که به همراه ناگفته های بسیار و در میان غرض ورزی ها و صلاح دیدها کم

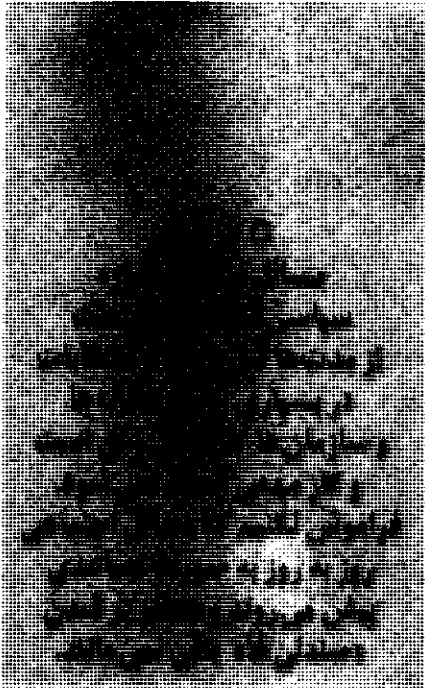
تاریخ همیشه دربردارنده ی رویدادهایی است که بسیاری از آن ها هرگز در صفحات تاریخ آن ثبت نشده اند. رویدادهایی که هیچ زبانی شجاعت گفتن و هیچ گوشی تاب شنیدنش را نداشته است. همه، چشم هایشان را بسته و از کنار آن گذشته اند تا مبادا در دام

یکی از این افراد، دکتر شهین علیایی زنده، استاد دانشگاه و محقق مسائل جنسی در ایران است. کسی که طی سال‌ها یک تنه و تنها، به پستی متروک خانه‌ها و به نقاط تاریک کوچه پس‌کوچه‌ها قدم گذارده و صدای مظلوم‌ترین انسان‌های جامعه، یعنی کودکانی که مورد سوء استفاده جنسی قرار گرفته‌اند را، فریادوار به گوش همگان رسانده است. از این رو و به بهانه‌ی تلاش او برای تأسیس اولین مؤسسه پیشگیری از آزار جنسی کودکان و نوجوانان، پای سخنان دل‌نشینش نشستیم تا از طرح‌ها و برنامه‌هایش بگوییم، از سختی راه، از بزرگی درد و از لذت همراهی با انسان‌های کوچک.

خیسی چشمانش و گرمی گفتارش، دلیل صداقتش در شروع یک راه طولانی بود.

دل‌مان می‌خواهد با انگیزه و اهدافتان برای تشکیل این مؤسسه آشنا شویم، اما قبل از آن، به ما بگویید که اصلاً چطور شد که با مسئله‌ی آزار جنسی کودکان مواجه شدید؟

- سال‌ها بود که در ایران نبودم. من، بعد از دوره‌ی نوجوانی برای ادامه‌ی تحصیل به آمریکا رفته بودم. نمی‌دانم، شاید پانزده سال دوری از ایران، آن هم در آن سن و سال، خلأ شدیدی در باره‌ی همه چیز ایران در من به وجود آورده بود. به همین خاطر، وقتی که برگشتم، دلم می‌خواست که تمام ذرات این آب و خاک را بیلیم. دلم می‌خواست که بر همه‌ی کوچه و بازارش دست بکشم و اصلاً در گوشه‌ای بنشینم و موشکافانه و عاشقانه، تردد مردم را تماشا کنم. در این جا بود که دریافتم که "مردم عادی" را به هر گروه دیگری ترجیح می‌دهم. انصافاً که مردم منحصر به فردی داریم. با این پیش، گرچه به صورت نسبی وقت ایجاد مشکلات در این کشور کم است، اما این



تماس رو در رو و مستمر خود را با مردم از یاد نبرم. با این هدف، به صورت پاره‌وقت، در یکی از نشریات مربوط به زنان، مشغول به کار شدم و در آن جا روانشناسی را به زبان ساده ملبس کردم و آن را طی ۲۵۰ مقاله و در سه زمینه‌ی "رشد در دوران کودکی و نوجوانی"، "بحران‌های زن" و "چگونگی رویارویی با مسائل زناشویی"، در اختیار مردم گذاردم. این مقالات با استقبال بی‌نظیر خوانندگان مواجه شد. به همین دلیل، بسیاری از خوانندگان از نقاط مختلف ایران با من تماس گرفتند و مشکلاتشان را عنوان کردند. بعد از این همه تماس از طرف خوانندگان، ما به این نتیجه رسیدیم که زمانی را برای ملاقات حضوری آن‌ها نیز در دفتر مجله در نظر بگیریم. جالب بود. من در اتاقک کوچکم در دفتر مجله می‌نشستم و سه روز در هفته مردم از همه جای ایران به دیدن می‌آمدند. برای مثال، من ساعت ۱۰ فردی از مشهد قرار ملاقات داشتم. ساعت ۱۱ نفری از اصفهان و ساعت ۱۲ کسی از

تنگابن. یافته‌های این ملاقات‌ها برای من حیرت‌انگیز بود. در آن اتاق کوچک، مردم سخاوتمندانه دست مرا می‌گرفتند و مرا به کوچه پس‌کوچه‌های شهرشان و به پستی خانه‌هایشان می‌بردند و من، در این شرایط، با تراژدی سوء استفاده‌ی جنسی از کودکان آشنا شدم.

تعریف شما از آزار و سوء استفاده‌ی جنسی از کودکان چیست؟ چه گروه سنی از بچه‌ها، بیش‌تر آسیب‌پذیرند؟

- تعریف من از سوء استفاده‌ی جنسی از کودک، عبارت است از: ایجاد ارتباط با کودک به هر شکل و به هر میزان، به منظور کسب لذت جنسی، توسط یک فرد بزرگسال.

اما در پاسخ به این سؤال شما که این رویداد بیش‌تر در چه گروه سنی از بچه‌ها تجربه می‌شود، باید بگویم که بچه‌ها در سنین پیش‌دبستانی، بیش‌تر در درون خانواده، و در سنین دبستانی و بالاتر، اغلب بیرون از خانواده، آسیب‌پذیرترند.

به لحاظ جنس بچه‌ها چطور؟ آیا این اتفاق بیش‌تر برای دخترها می‌افتد؟

- متأسفانه در این چهارچوب، دختر بچه‌ها و پسر بچه‌ها هر دو در خطرند. البته شایان ذکر است که سوء استفاده‌ی جنسی از کودکان منحصر به این دوره و زمانه نیست و در بسیاری از سرزمین‌های کهن، از قدمت تاریخی قابل ملاحظه‌ای برخوردار است. مطالعه‌ای در تاریخ و ادبیات کشورمان، ردپای آزار جنسی کودکان را در مجالس عیش و نوش پادشاهان، در اشعار شاعران و در اصطلاحات و تکیه کلام‌های رایج، متجلی می‌کند. مثلاً موضوع تکیه‌ها، قبائل و عشایر، در گذشته‌ها، از



است. از این رو، این رویداد در تمامی کشورهای شرقی و غربی قابل مشاهده بوده است و البته اعراب، رومی ها و چینی ها در این راستا یاد طولایی داشته اند!

جو مصاحبه سنگین شده بود. همه سرمان را پایین انداخته بودیم و خون دل می خوردیم. اما از طرفی خوشحال بودیم که آمده بودیم تا علیایی زند را در این جدال بی امان تنها نگذاریم. سوال بعدی ام او را از دریای افکار و اندیشه اش بیرون می کشد!

گفتید که برخی از بچه ها در خانواده مورد سوء استفاده ی جنسی قرار می گیرند؟ این اتفاق، به دست چه کسی می افتد؟ چرا بچه های پیش دبستانی آسیب پذیرترند؟

- نمی خواهم کسی را بدبین کنم، اما تحقیقات من نشان می دهد که سوء استفاده ی جنسی در خانه، اغلب توسط محارم صورت می گیرد. پدر، برادر، دایی و بدبختانه گاه حتا پدر بزرگ، و البته در خانواده های فروپاشیده، اغلب ناپدری عامل این رویداد است. اما این که چرا بچه های پیش دبستانی بیش تر در خطرند، بدین علت است که در سنین پیش دبستانی، از یک طرف بچه ها رفته رفته بزرگ تر می شوند

و شکل یک آدم بزرگ را به خود می گیرند و از طرف دیگر آن ها هنوز آن قدر کوچکند که زور آدم بزرگ ها به آن ها می چربد. از این رو، آدم بزرگ های خاطی آن ها را می ترسانند و با بهره گیری از این ترس، آن ها را مورد تعدی جنسی قرار می دهند. اما باید به خاطر داشته باشیم که این اتفاق، در میان خانواده های فروپاشیده و نابسامان بسیار بیش تر قابل ملاحظه است. بگذریم از این که در فرهنگ ما مسائلی هم وجود دارد که این رویداد را سهل انگارانه دامن می زند. برای مثال، خوابیدن بچه ها کنار پدر و مادر، خوابیدن بچه ها در آغوش افراد دیگر چه محارم (مثل دایی، عمو، پدر بزرگ و ...) و چه غریبه ها. فرستادن بچه ها به خانه ی همسایه و بازی بچه ها در کوچه، بدون نظارت پدر و مادر،

از جمله مسائلی هستند که بی توجهی به آن ها مسائل عدیده ای را برای بچه ها و در درجه ی بعد برای جامعه ایجاد خواهد کرد. فراموش نکنیم که، اکثر اوقات سهل انگاری در برخورد با کودکان حادثه آفرین است. برای مثال، وقتی کودک در مواجهه با شخصی (مثل دایی، پدر بزرگ، عمو، یک دوست و ...) که قبلاً مشتاقانه به سویش می رفت و آسوده در آغوشش جا می گرفت سعی می کند تا خود را از

دید او پنهان کند یا از پدر و مادر به اصرار می خواهد که او را با آن شخص تنها نگذارند. پدر و مادر باید بررسی کنند و علت مسئله را بیابند. البته ممکن است دلایل دیگری هم موجب ترس او شده باشد اما مطمئن شدن از علت ترس کودک، و وظیفه ای است که انجام ندادن آن از سوی پدر و مادر، کودک را با مشکلات فراوانی روبه رومی سازد. مشکلاتی که ممکن است هیچ گاه فرصت جبران آن را نداشته باشند. همچنین موارد عینی بسیاری نشان می دهد که بچه ها در خانه همسایه مورد آزار جنسی قرار گرفته اند، در حالی که ما به راحتی بچه ها را ساعت ها به خانه ی همسایه می فرستیم، بدون آن که بر این کار، نظارتی داشته باشیم.

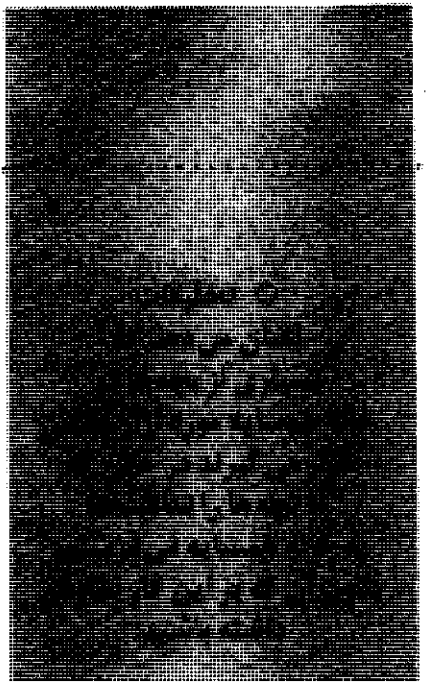
آزار جنسی کودکان، چه پی آمدهایی را برای آنان دربر خواهد داشت؟

- هیچ تجربه ای به اندازه ی آزار دیدگی جنسی، زندگی فرد را به لحاظ روانی به مخاطره نمی اندازد. علاوه بر این، تحریکات و آزار دیدگی جنسی در دوران کودکی ممکن است در بزرگسالی با دو پی آمد افراطی توأم باشد: لجام گسیختگی و یا سرد مزاجی. اما مهم ترین نکته برای تذکر این است که بسیاری از کودکانی که به صورت مستمر مورد سوء استفاده ی جنسی قرار گرفته اند، در بزرگسالی خود، عامل سوء استفاده ی جنسی از کودکان می شوند، و این چرخه ممکن است تا چند نسل ادامه پیدا کند.

البته تا این جا تمام بحث های ما مربوط به بچه هایی بوده است که در خانه و با خانواده ی خود زندگی می کنند. این در حالی است که مشکل بزرگ ما، مشکل کودکان خیابانی است. زیرا که این کودکان هر روز به صورت سازمان یافته و یا غیر سازمان یافته با مسئله ای به نام تعدی جنسی روبه رو هستند. این در حالی است که اغلب این کودکان را پدر و مادرها و سرپرستان خاطی، خود به صورت مستقیم یا غیرمستقیم روانه ی خیابان کرده و آن ها را به بیگاری کشیده اند. پیدا است که این کودکان بیش از هر گروه دیگری در این زمینه آسیب پذیر خواهند بود.

مشکل اصلی ما برای برخورد با خانواده هایی که خود کودکانشان را به ناپودی می کشانند چیست؟

- همانطوری که خودتان نیز به خوبی واقفید، ما برای برخورد با این موضوع بیش از هر چیز، با ضعف قوانین مواجه هستیم. بدین معنا که قوانین ما، با والدین خاطی به ویژه پدران که





پرمی کند و می گوید:

من در این فرایند به خوبی دیدم که چگونه تنش ها و اضطراب ها می تواند انسان را تا سرحد مرگ پیش ببرد. زیرا که در فرایند کسب مجوز برای تأسیس این مؤسسه بارها احساس کردم که عن قریب دچار یک ایست قلبی خواهم شد. اما با تمام وجود مصمم بودم و تصمیم داشتم که برای به سر منزل رساندن این کار، تا آخرش پیش بروم حال این "آخرش" هر جا که می خواهد باشد... کمی مکث می کند و آن گاه می گوید، اما اگر از ته دلم پیرسید، می گویم که سخت ترین قسمت پیمودن این راه، "یکه و تنها بودن" در این کوره راه های صعب العبور بوده است.

چه کنیم تا کمی از این غم یکه و تنها به مبارزه برخاستنت را التیام بخشیم؟

-کمکم کنید. کمکم کنید تا با یک جنبش ملی، افتخار مبارزه با این تراژدی جهانی را به میزانی نصیب ما ایرانیان کنیم...
و بدین سان، آرزوهای علیایی زند، هرگز تمامی ندارد.

مؤسسه پیشگیری از آزار جنسی کودکان و نوجوانان
تلفکس: ۲۲۷۲۳۶۷۶ تلفن: ۸۸۸۴۷۰۰۰
آدرس الکترونیک:

Inrapcenter @ Yahoo.com

اقدام، عبور از مرزهای ممنوعه و شکستن تابوهای زنگار گرفته نبود، با این همه اقبال رسانه ای مواجه نمی شد. یادآور می شوم که در گزارش سال ۱۳۸۱ من آمده بود که نزدیک به یک چهارم از زنان روسپی در کودکی مورد سوء استفاده ی جنسی اطرافیان خود قرار می گیرند. این یافته قطعاً مراد در به ثمر رساندن تلاش هایم برای تأسیس این مؤسسه، کمک شایانی توجهی کرده است.

چطور شد که این زمان را برای تشکیل این مؤسسه انتخاب کردید؟

- سن، طی سال ها با تحقیقاتم، مقالاتم و سخنرانی هایم، یواش یواش گوش ها را آماده ی شنیدن مسائل جنسی موجود در جامعه و بحران ناشی از آن کردم و آنگاه که این آمادگی را احساس کردم وارد عمل شدم. علاوه بر این، در این سال ها می شوم که سوء استفاده ی جنسی از کودکان و نوجوانان در همه جای دنیا رو به افزایش است. سازمان یافتگی است. از این رو، این روزها در هر رت سازمان یافته و با استفاده از شبکه های اینترنتی، بین المللی از کشورهای شرقی زمین به دنیای غربی رسیده می شود. این مسئله به ارائه ی خدمات جنسی، پدید آمدن جنس های جدید با تمام ابعاد و باطنی آنها منجر شده است.



کودکان و نوجوانان، کمک و یاری رساندن به کودکان به هنگام نیاز، شناسایی کودکان خیابانی و کمک به امر سامان دهی آن ها و بالاخره شناسایی باند های سوء استفاده از کودکان و انحلال آن ها از وظایف عمده ی پلیس کودکان خواهد بود. باید بگویم که مهم ترین ویژگی این طرح، همخوانی آن با ویژگی های فرهنگی ما است. من، کلیات این طرح را تحویل نیروی انتظامی داده ام.

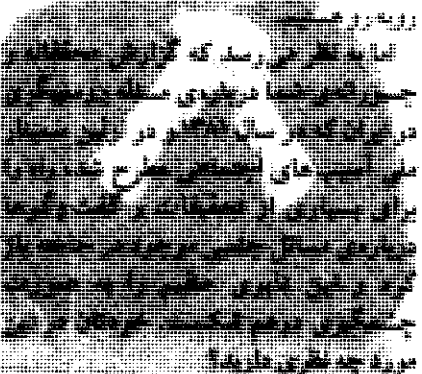
بالاخره می رسیم به سؤال آخرمان و از او می پرسیم که دشوارترین قسمت راه درازی را که پیموده، چه بوده است؟

- یک حلقه ی اشک، چشمان مصمم اش را

اغلب خود بچه ها را به این سمت و سو سوق می دهند، بسیار نابسند و معضل آفرین است. علاوه بر این، ما اغلب برای سر و سامان بخشیدن به چنین شرایطی از کمبود امکانات سخن به میان می آوریم و گله می کنیم. در حالی که معتقدم که ما و به ویژه مدیران و دست اندرکارانمان، شیوه ی درست استفاده کردن از امکانات را نمی دانیم. یادمان باشد که استفاده ی بهینه از امکانات موجود، یکی از شروط اصلی مدیریت است.

از این گذشته، ما با مشکل دیگری نیز در جامعه مواجه هستیم. مشکلی که بسیاری از شایستگی های ما را هدر می دهد، و آن این است که در ایران همه ی رویدادها بیش از اندازه سیاسی هستند. به همین خاطر، برای مثال، بسیاری از وزارتخانه ها و سازمان ها از مدت ها قبل از انتخابات، عملاً کار مهمی انجام نمی دهند. بگذریم از آن که باندبازی ها و جناح بازی ها نیز فرصت به کارگیری مدیران شایسته را از ما گرفته است. تازه وقتی می خواهند کار را به خود مردم واگذارند هم آن قدر آن ها را با قوانین بوروکراتیک مواجه می کنند که آن ها اغلب عطای کارها را به لقایشان می بخشند و به دنبال کار خود می روند. به همه ی این ها باید این مطلب را هم اضافه کنیم که هرچه پست ها و مقام ها بالاتر می رود، صاحبان "صندلی"، محافظه کارتر می شوند و از برخورد با تابوها می هراسند و

نگاه عدالت را در آن می بینند که منکر بسیاری از مسائل اجتماعی و خانگی می باشد. این طرز برخورد، در واقع شکاف عمیقی بین مردم و حاکمان می شود. این طرز برخورد، در واقع مسائل جنسی، همواره خراش بر رویه انسان را به همین خاطر، ما در این زمینه با مشکلات پیچیده ای روبه رو هستیم.



تأسیس این مؤسسه در شهری که گزارش می دهیم، در حالی که در سال ۱۳۸۱ من آمده بودم که نزدیک به یک چهارم از زنان روسپی در کودکی مورد سوء استفاده ی جنسی اطرافیان خود قرار می گیرند. این یافته قطعاً مراد در به ثمر رساندن تلاش هایم برای تأسیس این مؤسسه، کمک شایانی توجهی کرده است.